

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ جولای ۲۰۲۰

## پیروی از ارزشهای استعماری و "غنی احمدزی"!

سه شنبه - ۰۷ اسد ۱۳۹۹ - کابل: از چند روز بدین سو یکی از خبرهای بی ارزشی که به داغ مبدل شده است و رسانه ها به خصوص فیسبوک ها را به خود مشغول داشته است، موضوع برهنه شدن "حاجی حسن احمدزی" یکی از کلانهای قوم "احمدزی" که پسرش به حیث نماینده در پارلمان دولت دست نشانده معاش دالری می گیرد، بوده است. به ارتباط این مسأله همان طوری که انتظار می رفت و منطبق حکم می کند، در جامعه درز برداشته و نفاق زده افغانستان، موضعگیری های متفاوت از تقدیس و سردادن ندای "مظلومیت" قوم پشتون گرفته، تا ننگ و رسوائی فردی و قومی شخص حاجی حسن، قوم احمدزی و حتا قوم پشتون نیز یادآوری گردید، در تمام این بگو مگو ها و لجن پراکنی ها علیه یک دیگر، آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفت، اولاً پیوند شخص مورد نظر با شخص "غنی احمدزی" بود و در ثانی محتوای جرمی بودن عمل "حاجی حسن احمدزی". در یادداشت امروز توجه شما را به همین موارد جلب می نمایم:

۱- حاجی "حسن احمدزی" گذشته از آن که یکی از کلان های قوم "احمدزی" است، رسماً به حیث مشاور رئیس جمهور در امور اقوام از دولت دست نشانده معاش دالری نیز می گیرد. زمانی که حدود ۵ سال قبل "گلاب منگل" وزیر آنوقت "وزارت سرحدات، اقوام و قبایل" موافقتنامه ای را که عملاً به تشکیل حکومت خودمختار در "دند غوری" به وسیله طالب منجر شد، امضاء نمود نه تنها "حاجی حسن احمدزی" طرف امضای موافقتنامه بود، بلکه در همان وقت تمام کارها را به مشوره و زیر نظر شخص "غنی احمدزی" انجام داده بود. به گفته یک تن از افراد نزدیک به "منگل" که از کارش انتقاد نموده بود، "منگل" پاسخ داده بود که که واقعتاً مسأله آن بود که من می بایست به دستور شخص "غنی احمدزی" آن موافقتنامه را با بزرگ قومی "احمدزی" امضاء می نمودم، تا موقف قومی ضعیفی را که شخص "غنی احمدزی" نزد قوم خود داشت، اندکی ترمیم نموده باشم.

۲- با در نظر داشت چنین روابطی بین "غنی احمدزی" و حاجی "حسن احمدزی"، می توان صد درد صد حکم نمود که عمل آنروز "حاجی احمدزی" و بیرون کردن تنبانش که در جامعه سنت گرا و تابع فرهنگ فئودالی، چیزی کمتر از "سوراخ ایشچی" نیست، بدون مشوره و حتا صدور دستور قاطع شخص "غنی احمدزی" انجام نیافته است.

تجربه نشان داده است که "غنی احمدزی" روی دلایل متعدد از جمله، روابط و علایق استخباراتی اش، اقامت طولانی در غرب ضمن آمیزش خانوادگی با آنها حتا تا سرحد بیگانگی با فرهنگ و ارزشهای درون جامعه و اعتقاد به اصل "هدف وسیله را توجیه می کند" یعنی پراگماتیسم سیاسی- ایدئولوژیک، به هیچ یک از ارزشهای حاکم در جامعه ما

اهمیتی قابل نیست، چنانچه جهت بی اعتبار ساختن و اخراج معاونش پیرمرد احمق و طماعی را به نام "ایشچی" وادار ساخت تا ادعا نماید که گویا مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است و اینک این پیرمرد احمق و طماع دیگر را وادار ساخت تا با بیرون کردن تنبانش خود را مسخره و مضحکه خاص و عام بسازد.

۳- انگیزه چنین تحریکاتی از جانب "غنی احمدزی" کاملاً روشن است. وی می خواهد بدین وسیله برادر کشی و نفاق قومی و اعمال شوونیسم عظمت طالبانه فرد خودش را، خواست قومی پشتونها- فعلاً سران قوم تا بعداً پای توده ها نیز به میان آید- معرفی نموده، در نخستین گام بر حکومت شراکتی اش با "عبدالله عبدالمود" نقطه پایان بگذارد.

این را می دانیم که هم "عبدالمود" و هم "غنی احمدزی" قبل از انتخابات کذائی، آنهایی را که به دور خود جمع نموده بودند هیچ یک را با هدف "خدمت به خلق و خدمت به کشور" دعوت نموده بودند، بلکه هر دو طرف با دادن وعده وکالت و وزارت، خیل کرگسان را به دریدن نعش حاکمیت بعدی دعوت نموده بودند. محروم شدن از تشکیل حکومت فردی و اجبار در رفتن پای شراکت، هر دو طرف را وادار ساخت تا امکانات شان را در حالی نصف ببینند که توقعات یاران شان در همان سطح باقی ماند.

اینجاست که مشکل برای هر دو طرف عرض اندام می نماید، "عبدالمود" علی رغم سپری شدن بیش از دوماه قادر نمی شود، اعضای همکارش را انتخاب نماید و "غنی احمدزی" هم مجبور شده است جهت ادامه خودسری هایش این بار سوراخ "ایشچی" جدیدی را بهانه قرار دهد.

هموطنان گرامی این را می باید سرانجام بدانیم که زمامداران کنونی و متعلقان شان همه جاسوس و وابسته به بیگانگان اند آنها هیچ نوع تعلق قومی به هیچ یک از اقوام باهم برادر افغانستان ندارند، آنها نه پشتون اند نه ازبیک و نه هم تاجیک و یا هزاره و ...؛ بلکه آنها همه نوکران و جواسیس امپریالیسم اند که جهت تأمین منافع شخصی خودشان و اربابان شان حاضر اند، تنبان خودشان و یا یک دیگر شان را بیرون نمایند. از همین رو تنبان کشی حاجی "حسن احمدزی" هیچ ربطی به قوم پشتون و یا "احمدزی" ندارد به همان سان که "سوراخ ایشچی" ربطی به قوم ازبیک نداشت. به عبارت روشنتر، حاجی "حسن احمدزی" تنبان خودش را بیرون ننمود بلکه در واقعیت امر به پیروی از فرهنگ استعماری، تنبان "غنی احمدزی" بود که بیرون کشیده شد، زیرا این "غنی احمدزی" بود که از آن پیرمرد احمق خواست تا به چنان کاری دست یازد.

۴- و اما این که حرکت ذلیلانه حاجی "حسن احمدزی" از دو جهت در افغانستان جرم است و می باید مورد تعقیب قرار گیرد:

اولاً نامبرده حین برهنه کردن خود در مقابل زنان و رسانه های دیداری، از آنجائی که حدود ستر عورت اسلامی برای مردان را زیر پای نموده یعنی زیر تنبانی شان پائینتر از ناف و بالا تر از زنوی شان را نشان می داد، به علت تخطی آشکار از قواعد شرعی و فقهی می باید "حدود شرعی" که همان شلاق طالب است در موردش به اجراء گذاشته شود تا درسی گردد برای آیندگان که در محضر عام حجاب اسلامی مخصوص مردان ان را نادیده نگرفته "کون" شان را لچ نمایند. این شلاق زدن یک حسن دیگر هم دارد که من بعد کسی نخواهد گفت اسلام تنها ضد زن است.

ثانیاً نامبرده به اساس مواد قانون جزا که در ماده ۲۵۶ آن صریحاً تفرقه افگنی های قومی، نژادی، مذهبی و زبانی را جرم دانسته، از همان آغاز متخلف را به حبس قلیل محکوم می سازد، می باید نامبرده مورد مؤاخذه قرار گرفته، به علاوه خودش، محرکین و حامیانش را نیز به اتهام تشویق به منکر و فساد مورد بازخواست قرار دهند.

هموطنان گرامی!

تا زمانی که در کشور ما امپریالیسم و ارتجاع هر مذهبی حاکم اند، آنها جهت تحقق اهداف استعماری و ارتجاعی شان همواره خواهند کوشید تا باشندگان این سرزمین را به بهانه های مختلف به جان یک دیگر شان بیندازند ما باید با تمام قواء و علی رغم تمام توطئه ها هوشیاری طبقاتی و ملی خویش را حفظ نموده، تلاش بورژیم تا در دام آنها اسیر نشویم و این را بپذیریم که نه "سوراخ ایشچی" آبروریزی قوم ترکمن و ازبیک است و نه تنبان کشی حاجی "حسن احمدزی" ننگ قوم پشتون. در هر دو مورد این استعمار و ارتجاع است که زیر فشار خلق افغانستان، ناگزیر می شوند، به شرمگاه شان مراجعه نمایند.

**مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده است!**

**سرکها ما را می طلبند!**